سیاست

دولت خواستار اولویت رسیدگی مجلس به اصلاح قوانین تعزیرات حکومتی شد

هیات وزیران در جلسه خود، درخواست اولویت رسیدگی مجلس به لایحه اصلاح برخی قوانین مربوط به تعزیرات حکومتی را با هدف رفع خلأهای قانونی برخورد قاطع و موثر با تخلفاتی گران‌فروشی، کم‌فروشی، احتکار، درج نکردن قیمت و امتناع از عرضه کالا، تصویب کرد. در جلسه هیات دولت، درخواست اولویت رسیدگی مجلس شورای اسلامی به لایحه اصلاح برخی قوانین مربوط به تعزیرات حکومتی، با هدف تسریع در رفع موانع قانونی برخورد با تخلفات بازار، به تصویب هیات وزیران رسید. بر اساس این لایحه، اصلاحاتی برای برطرف کردن برخی خلأهای قانونی در برخورد قاطع و موثر با تخلفاتی از جمله گران‌فروشی، کم‌فروشی، احتکار، درج نکردن قیمت، امتناع از عرضه کالا و رعایت نکردن ضوابط قیمت‌گذاری پیش‌بینی شده است. اجرایی شدن احکام پیش‌بینی‌شده در این لایحه، منوط به تصویب نهایی آن از سوی مجلس شورای اسلامی و طی مراحل قانونی مربوط خواهد بود. در بخش دیگری از جلسه هیات دولت، برنامه‌های آموزش، پیشگیری، ارزیابی عوامل خطر، غربالگری و تشخیص زودهنگام سرطان‌های شایع که به پیشنهاد وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارایه شده بود، به تصویب رسید. هدف از این مصوبه، پیش‌بینی اقدامات و برنامه‌های لازم از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر دستگاه‌های اجرایی برای گسترش آموزش خودمراقبتی، انجام غربالگری منظم و تشخیص زودهنگام برخی سرطان‌های شایع دارای قابلیت پیشگیری است. بر اساس این مصوبه، دستگاه‌های مسوول باید اقدامات مرتبط با آموزش و پیشگیری و همچنین شناسایی زودهنگام بیماری را در چارچوب برنامه‌های پیش‌بینی‌شده دنبال کنند. همچنین در جلسه هیات وزیران، لایحه موافقتنامه میان دولت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی (اکو) در زمینه کمک متقابل اداری در امور گمرکی به تصویب رسید. این لایحه با موضوع همکاری‌های اداری متقابل در حوزه گمرکی میان ایران و کشورهای عضو اکو در دستور کار دولت قرار گرفته بود و پس از بررسی، به تصویب هیات وزیران رسید.

پاسخ ایران به هر گونه ماجراجویی مجدد امریکا گسترده‌تر و کوبنده‌تر خواهد بود

یک عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر آمادگی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با هر گونه تهدید مجدد امریکا و رژیم صهیونیستی گفت: پاسخ ایران به هر گونه ماجراجویی جدید دشمنان، بسیار گسترده‌تر و کوبنده‌تر از گذشته خواهد بود. علاءالدین بروجردی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، در جریان جلسه علنی مجازی (چهارشنبه ۱۳ آبان) مجلس در نطق میان دستور خود ضمن گرامیداشت یاد و خاطره بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (ره)، رهبر شهید انقلاب و شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، با عرض احترام به خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، مفقودان و آزادگان و اعلام اطاعت از مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) را تسلیت گفت. وی در ادامه با گرامیداشت یوم‌الله ۱۳ آبان و یاد شهدای دانش‌آموز، روز دانش‌آموز را تبریک گفت و با اشاره به تحولات انتخاباتی امریکا اظهار کرد: شکست ترامپ در انتخابات جاری امریکا را که از پیامدهای جنگ تحمیلی علیه ایران است، به ملت بزرگ ایران و آزادگان جهان تبریک می‌گوییم. این عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران یکی از حساس‌ترین دوران‌های تاریخ پربرکت خود را سپری می‌کند، تصریح کرد: با وجود جنگ تحمیلی دو قدرت هسته‌ای علیه ملت بزرگ ایران، نظام جمهوری اسلامی از این آزمون سخت سرافراز بیرون آمد و توانست مدعی ابرقدرتی جهان را شکست دهد و پایگاه‌های امریکا در منطقه را منهدم کند. این نماینده مجلس با اشاره به ورود کشور به مرحله تازه‌ای از قدرت ملی افزود: مولفه‌های اصلی این قدرت، ملت بزرگ ایران و نیروهای مسلح مقتدر و شجاع هستند؛ مولفه‌هایی که جایگاه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان قدرتی بزرگ و برخوردار از توان رویارویی با امریکا تثبیت کردند. ما به این ملت بزرگ، نیروهای مسلح قدرتمند و رهبری عالی‌قدر خود افتخار می‌کنیم و خداوند متعال را شکر گزاریم. بروجردی با بیان اینکه امریکا با تحریک رژیم صهیونیستی همچنان در پی تحمیل جنگی دیگر به ملت ایران است، هشدار داد: به امریکا اعلام می‌کنیم که پاسخ جمهوری اسلامی ایران به امریکا و رژیم صهیونیستی بسیار گسترده‌تر و کوبنده‌تر از اشتباه محاسباتی پیشین خواهد بود. وی با تاکید بر اینکه رژیم صهیونیستی را محرک دولت امریکا در جنگ علیه ایران اسلامی می‌دانیم، تصریح کرد: ما حساب رژیم صهیونیستی را از امریکا جدا نمی‌دانیم و هر دو را به‌شدت پشیمان خواهیم کرد. این نماینده مجلس با اشاره به تاکیدات فرمانده معظم کل قوا درباره نحوه مواجهه با تهدیدها گفت: توجه ترامپ را به فرمان فرماندهی معظم کل قوا جلب می‌کنم که فرمودند در هر سطح و نوعی از تهدید باید با پاسخ فوری، اثرگذار و بدون محدودیت جغرافیایی روبه‌رو شود. بروجردی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوع گذرگاه سیونیک معروف به زنگزور اشاره کرد و گفت: امریکایی‌ها با تصمیم‌گیری درباره سرمایه‌گذاری در این گذرگاه مهم و راهبردی و در اختیار گرفتن ۷۴ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذار در آن، قطعا امنیت آینده ارمنستان و منطقه را به چالش خواهند کشید. وی با هشدار نسبت به پیامدهای حضور امریکا در این منطقه افزود: کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس باید از تجربه حضور امریکا و در اختیار گرفتن پایگاه‌های نظامی در کشورهای خود درس بگیرند، چرا که این حضور امنیت منطقه را با چالش مواجه کرده است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تاکید کرد: مخالفت جدی خود را با حضور امریکا در این گذرگاه اعلام می‌کنم. بروجردی در ادامه با ارزیابی عملکرد دولت در تامین نیازهای ضروری کشور طی جنگ تحمیلی، آن را قابل قبول دانست و در عین حال گفت: تورم افسارگسیخته و فشار اقتصادی بر مردم به هیچ‌وجه قابل قبول نیست و دولت به‌ویژه بانک مرکزی باید در مهار تورم هنرنمایی کند.

پیام رهبر انقلاب به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی

اگر کسانی اندک امیدی به تغییر رفتار نظام سلطه دارند، سخت در اشتباهند



رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی تاکید کردند: اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند یا تصور می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.

متن پیام آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی به شرح زیر است:

«امروز، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و روزی است که مجموعه‌ای از نقاط عطف صف‌آرایی جبهه حق در مقابل جبهه باطل و جبهه مظلوم در مقابل جبهه ظالم را در خود جمع نموده است. شاید بتوان گفت سیزدهم آبان امسال، ملت ایران تکلیف خود را با امریکای جنایتکار روشن‌تر و شفاف‌تر از هر سال دیگر می‌داند، اما مرور ریشه‌ها، دلایل و نقاط عطف خصومت روزافزون امریکا و صف‌آرایی مستحکم ملت ایران در برابر آن، چراغ راه آینده این مسیر است.

نقطه آغازین ظلم امریکا علیه ملت ایران، به بیش از هفت دهه قبل می‌رسد؛ آنگاه که کودتای بیست‌وهشتم مرداد را برای استمرار چپاول منابع و سرمایه‌های ملی خصوصا نفت برپا کرد. دهه‌های بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز دورانی بود که حکام امریکا تلاش وافری برای غارت دارایی‌های ملت ایران به‌عمل آوردند. در این مسیر با تاسیس ساواک و مسلط ساختن فضای سنگین امنیتی بر جامعه، دست حکومت جائر آن زمان را برای اقدام به سرکوب هر حرکت معترضانه‌ای بازتر کردند. در آستانه پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هم از انواع ترفندها برای حفظ حکومت دست‌نشانده خود استفاده نمودند. از رفتار خصمانه آنان در دوران پس از پیروزی انقلاب عظیم ملت ایران نیز می‌توان فهرستی طویل از اقدامات ضد مردمی آنان ارایه داد که شامل حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و کودتاگران و منافقین کوردلی که علاوه بر نخبگان علمی، سیاسی و اجتماعی، انبوهی از مردمان عادی را با سنگدلی به شهادت می‌رساندند؛ پشتیبانی مستقیم و همه‌جانبه از حزب بعث در جنگ تحمیلی اول، کشتار غیرنظامیان هواپیمای مسافربری، تحریم‌های گسترده طولانی و سنگین اقتصادی، طرح‌ریزی و حمایت از آشوب‌ها و فتنه‌های متعدد و حتی پشتیبانی تسلیحاتی از آنها، ترور سردار سلیمانی قهرمان ملی ایران و امت اسلامی؛ دزدی اموال و دارایی‌های ملت ایران در کشورهای مختلف و سرانجام تهاجم مستقیم نظامی در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و به شهادت رساندن جمع زیادی از نخبگان و دانشمندان و فرماندهان و خیل کثیری از مردم مظلوم ایران از نوزادان و نونهالان تا کهنسالان و در راس همه آنها رهبر عظیم‌القدر انقلاب اسلامی قدّس‌الله‌نفسه‌الزّکیه می‌باشد. در تمام این مراحل، سردمداران مستکبر امریکا و اذناب آن همواره به دنبال تحمیل سلطه خود و تسلیم ایران بوده‌اند و حتی در آخرین نسخه‌های این زورگویی، تمامی آداب و ظواهر دروغین و فریبنده بین‌المللی را کنار گذاشته و وقیحانه به دنبال تجزیه کشور، زانو زدن ملت، فروپاشی نظام، و نابودی تمدن اصیل و کهن ایران هستند و البته در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیت میدانی و صخره‌های استوار اراده ملت غیور ایران مواجه شده و نتیجه محاسبات غلط و توهمات استکباری‌شان را در سبد هزینه‌هایی سنگین بر دوش مردم امریکا و حکومت‌های دست‌نشانده دولت امریکا گذاشته‌اند. اکنون داستان دشمنی دیرینه امریکا با ملت مسلمان ایران و مقاومت غیورانه همه ایرانیان در مقابل این دشمن به جایی رسیده که نه فقط سیزدهم آبان، بلکه همه روزها و ساعات، ایام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است. اینک صحنه خلیج فارس خصوصا تنگه هرمز همچنانکه بطلان افسانه شکست‌ناپذیری امریکا را رقم زده است، ضعف و زبونی حکومت‌هایی که به نیرویی جز ملت خویش اتکا می‌کنند و بی‌وفایی و عجز قدرت‌های بزرگ در دفاع از حکومت‌های دست‌نشانده‌شان را نشان می‌دهد. اعمال مدیریت ایران بر تنگه هرمز و از بین بردن پایگاه‌های نظامی امریکا در کشورهای منطقه اگر چه عکس‌العملی به تجاوز و جنایت امریکا در جنگ تحمیلی سوم بود، اما در عین حال جهادی ابتدایی علیه استکبار در ابعادی منطقه‌ای نیز محسوب شده که در صورت تکرار تعدیات، ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. این نشانه اقتدار، در کنار وحدت ساحات جبهه حق و حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانه جبهه مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبهه حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی است، چرا که هرگاه جبهه حق، توکل و استقامت و فداکاری داشته باشد، جبهه باطل با هر قدرت و توان و هر که و هر چه باشد، در برابر آن تاب نخواهد آورد و عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی آن است که «اِنّ‌الباطل کان زهوقا».

بحمدالله ملت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمدی صلّی‌الله علیه و آله و سلّم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامهما الشّریف به خوبی فراگرفته و روزبه‌روز با تحقق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساخته مستکبران، قدرت و سلطه رو به زوال امریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است.

اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند یا تصور می‌کنند با امتیاز دادن به امریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصور باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملت مسلمان ایران در سایه توکل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است. آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قید و شرط ملت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایه عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد.

تنها راه رسیدن به نقطه بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه بوده؛ و یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی، عنصر اصلی موفقیت در این مسیر می‌باشد که لازم است بر هر گفتار و کردار فردی و اجتماعی ملت و مسوولان حاکم باشد. در این زمینه همچنانکه حمایت‌های ملت از مسوولان، امری لازم است، استمرار و ارتقاء توجه مسوولان به خدمت مضاعف و جهادی و صمیمیت با مردم و تامین معیشت و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و استقلال آنان نیز دارای اهمیت است.

قشر پیشرو برای ساختن آینده روشن و شکوهمند ایران عزیز، جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان‌مان هستند که می‌بایست به صورت مستمر در پی تسخیر و ویران‌سازی لانه تاریک «یأس و ناامیدی و نشدن‌ها» و فتح خانه روشنِ «امید و ما می‌توانیم» باشند. لازمه این ماموریت، ورزیدگی فوق‌العاده و مجهز شدن به انواع سلاح‌های علم و تقوا و مهارت و اخلاق و اراده و تلاش فوق‌العاده، و «همعهدی» برای رسیدن به اهداف والا است.

امید است به لطف الهی و دعای سرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشّریف، ملت ایران پیروزی و سعادت و پیشرفت همه‌جانبه‌ای را هر چه زودتر تجربه نموده و اسباب افول هر چه بیشتر و سریع‌تر سلطه شیطان بزرگ فراهم شود. «اِنّهم یرونهُ بعیداً و نراهُ قریباً.»

شکست ترامپ در انتخابات میان‌دوره‌ای

رای منفی امریکایی‌ها به جنگ ایران و گرانی

دموکرات‌ها با پیروزی در انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا، کنترل هر دو مجلس کنگره را از جمهوری‌خواهان گرفتند؛ نتیجه‌ای که فراتر از یک جابه‌جایی پارلمانی، به عنوان شکست سیاسی دونالد ترامپ و اعتراض رای‌دهندگان به سیاست‌های داخلی و خارجی دولت او ارزیابی می‌شود. افزایش هزینه‌های زندگی، تورم، پیامدهای اقتصادی جنگ با ایران و نارضایتی از عملکرد رییس‌جمهور، از مهم‌ترین عواملی بودند که این انتخابات را به یک همه‌پرسی درباره کارنامه ترامپ تبدیل کردند. انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا در روز سه‌شنبه، سوم نوامبر ۲۰۲۶، با نتیجه‌ای به پایان رسید که می‌تواند معادلات سیاسی واشنگتن را در دو سال باقی‌مانده از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ به‌طور جدی تغییر دهد. دموکرات‌ها موفق شدند اکثریت هر دو مجلس نمایندگان و سنا را به دست آورند و جمهوری‌خواهان را که در دو سال نخست دوره دوم ریاست‌جمهوری ترامپ کنترل کنگره را در اختیار داشتند، از این موقعیت خارج کنند. این نتیجه در شرایطی رقم خورد که ترامپ شخصا در مرکز رقابت‌های انتخاباتی قرار گرفته بود و بارها از هواداران خود خواسته بود انتخابات را چنان جدی بگیرند که گویی نام او نیز در برگه رای قرار دارد. بر اساس شمارش‌های منتشرشده تا روز چهارشنبه، چهارم نوامبر، دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان ۲۲۸ کرسی و جمهوری‌خواهان ۱۳۹ کرسی به دست آورده بودند و شمارش ده‌ها رقابت دیگر همچنان ادامه داشت. در سنا نیز دموکرات‌ها با احتساب دو نماینده مستقل همسو، به ۵۴ کرسی در برابر ۴۴ کرسی جمهوری‌خواهان رسیده بودند. در این مرحله، ۳۳ رقابت از مجموع ۳۵ رقابت سنا تعیین تکلیف شده بود. اگرچه شمارش نهایی همه حوزه‌ها هنوز پایان نیافته بود، پیروزی دموکرات‌ها در هر دو مجلس قطعی شده و آنها توانسته بودند اکثریت لازم برای در اختیار گرفتن کنگره را به دست آورند. اهمیت این نتیجه فقط در تعداد کرسی‌های جابه‌جاشده نیست. جمهوری‌خواهان در ایالت‌هایی شکست خوردند که تا همین دو سال پیش از پایگاه‌های انتخاباتی مطمئن ترامپ به شمار می‌رفتند. دموکرات‌ها در رقابت‌های مهمی در ایالت‌هایی مانند آیووا، کانزاس و کارولینای جنوبی پیروز شدند و در چند ایالت دیگر نیز دستاوردهای قابل توجهی داشتند. پیروزی دموکرات‌ها در ایالت‌های محافظه‌کار، به‌ویژه در مناطقی که ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ با اختلاف قابل توجهی پیروز شده بود، نشان می‌دهد بخشی از رای‌دهندگان سنتی جمهوری‌خواه نیز از عملکرد دولت فاصله گرفته‌اند.

انتخابات میان‌دوره‌ای سنت شکست حزب حاکم

در تاریخ سیاسی امریکا، انتخابات میان‌دوره‌ای معمولا آزمونی دشوار برای رییس‌جمهور مستقر و حزب او است. برخلاف انتخابات ریاست‌جمهوری که در آن رقابت بر سر انتخاب رییس قوه مجریه جریان دارد، انتخابات میان‌دوره‌ای فرصتی برای رای‌دهندگان است تا درباره عملکرد دولت در دو سال نخست قضاوت کنند. به همین دلیل، حزب رییس‌جمهور اغلب بخشی از کرسی‌های خود را در کنگره از دست می‌دهد. بر اساس بررسی‌های تاریخی موسسه بروکینگز، در ۲۰ مورد از ۲۲ انتخابات میان‌دوره‌ای از سال ۱۹۳۸ تاکنون، حزب رییس‌جمهور در مجلس نمایندگان با کاهش کرسی مواجه شده است. بررسی انتخابات میان‌دوره‌ای از سال ۱۹۳۴ تا ۲۰۲۲ نیز نشان می‌دهد حزب مستقر در کاخ سفید به‌طور متوسط ۲۷ کرسی در مجلس نمایندگان و سه کرسی در سنا از دست داده است. بنابراین شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات اخیر را نمی‌توان صرفا با اصل معمول کاهش محبوبیت حزب حاکم توضیح داد. در دوره دوم ریاست‌جمهوری‌ها، این انتخابات اهمیت بیشتری نیز پیدا می‌کند، زیرا رییس‌جمهور دیگر امکان حضور در یک دوره انتخاباتی دیگر را ندارد و انتخابات میان‌دوره‌ای عملا به آزمونی برای سنجش قدرت سیاسی او در نیمه دوم ریاست‌جمهوری تبدیل می‌شود. تجربه تاریخی نشان داده است که روسای جمهور در چنین شرایطی ممکن است با کاهش محسوس حمایت عمومی و از دست دادن بخشی از قدرت پارلمانی مواجه شوند. برای نمونه، حزب جمهوری‌خواه در انتخابات میان‌دوره‌ای سال ۱۹۵۸ در دوره دوم ریاست‌جمهوری آیزنهاور، ۴۸ کرسی مجلس نمایندگان و ۱۲ کرسی سنا را از دست داد. در سال ۲۰۰۶ نیز جمهوری‌خواهان در دوره دوم ریاست‌جمهوری جورج بوش، ۳۰ کرسی مجلس نمایندگان و شش کرسی سنا را از دست دادند. با این حال، نتیجه سال ۲۰۲۶ از یک شکست معمول میان‌دوره‌ای فراتر رفته است. دموکرات‌ها نه تنها توانستند اکثریت مجلس نمایندگان را به دست آورند، بلکه اکثریت سنا را نیز از جمهوری‌خواهان گرفتند. این تحول، در کنار شکست نامزدهای مورد حمایت ترامپ در ایالت‌های محافظه‌کار، نشان می‌دهد نارضایتی از رییس‌جمهور به سطحی رسیده که حتی پایگاه انتخاباتی سنتی حزب او نیز از آن تاثیر پذیرفته است.

ترامپ؛ از درخواست رای اعتماد تا پذیرش شکست

ترامپ در ماه‌های منتهی به انتخابات تلاش کرد رقابت‌ها را به یک رویارویی مستقیم میان خود و دموکرات‌ها تبدیل کند. او در سخنرانی‌ها و گردهمایی‌های انتخاباتی بارها از هوادارانش خواست تصور کنند نام او نیز در برگه رای وجود دارد. این راهبرد در واقع تلاشی برای تبدیل انتخابات میان‌دوره‌ای به رای اعتماد به شخص رییس‌جمهور بود؛ راهبردی که اکنون نتیجه آن به زیان او تمام شده است. ترامپ در جریان تبلیغات انتخاباتی، دموکرات‌ها را با تعابیری تند توصیف می‌کرد و نامزدهای این حزب را افراطی و خطرناک می‌خواند. جمهوری‌خواهان نیز تلاش کردند محور رقابت را به موضوعات فرهنگی و اجتماعی، از جمله مسائل مربوط به حقوق اقلیت‌ها و سیاست‌های هویتی، منتقل کنند. اما نتایج انتخابات نشان داد بخش بزرگی از رای‌دهندگان مسائل دیگری را در اولویت قرار داده بودند: هزینه زندگی، تورم، وضعیت اقتصادی و جنگ ایران. واکنش ترامپ به شکست جمهوری‌خواهان نیز حاوی تناقضی قابل توجه بود. او در گفت‌وگو با شبکه فاکس‌نیوز به دموکرات‌ها تبریک گفت و عملکرد آنها را در انتخابات ستود، اما همزمان تلاش کرد نتیجه را به عنوان ضربه‌ای شخصی به خود نپذیرد. ترامپ مدعی شد این شکست را نباید حمله‌ای به شخص او تلقی کرد و در عین حال، کیفیت نامزدهای جمهوری‌خواه را یکی از عوامل ناکامی حزبش دانست. با این حال، او نتوانست نقش جنگ ایران را در شکست انتخاباتی جمهوری‌خواهان کاملا انکار کند. ترامپ پذیرفت که جنگ در نتیجه انتخابات تاثیر داشته است؛ هرچند تاکید کرد مردم اهمیت اقداماتی را که او در قبال ایران انجام داده‌اند درک می‌کنند و او از تصمیم خود برای آغاز جنگ پشیمان نیست. او همچنین هشدار داد لوایحی را که از نظرش غیرقابل قبول باشند، وتو خواهد کرد. این واکنش نشان می‌دهد ترامپ قصد ندارد در برابر کنگره جدید به‌سادگی از مواضع خود عقب‌نشینی کند. اما واقعیت سیاسی این است که از دست رفتن اکثریت هر دو مجلس، موقعیت او را برای پیشبرد برنامه‌های داخلی و خارجی دشوارتر خواهد کرد. کنگره دموکرات می‌تواند با استفاده از اختیارات نظارتی، دولت را درباره تصمیم‌های اقتصادی، هزینه‌های جنگ، عملکرد نهادهای اجرایی و مسائل مالی تحت فشار قرار دهد. در نتیجه، دو سال پایانی ریاست‌جمهوری ترامپ احتمالا با منازعه‌ای جدی‌تر میان کاخ سفید و کنگره همراه خواهد بود.

جنگ ایران؛ هزینه‌ای که به زندگی روزمره امریکایی‌ها رسید

یکی از مهم‌ترین عوامل شکست جمهوری‌خواهان، نارضایتی عمومی از جنگ امریکا علیه ایران بود. جنگی که دولت ترامپ در ماه فوریه آغاز کرد، به تدریج از یک مساله سیاست خارجی به موضوعی اقتصادی و روزمره برای شهروندان امریکایی تبدیل شد. افزایش قیمت سوخت، بالا رفتن هزینه حمل‌ونقل و فشار بر قیمت کالاها، جنگ را از صفحات اخبار خارجی به سبد هزینه خانوارهای امریکایی منتقل کرد. در ماه‌های گذشته، اختلال در انتقال نفت از منطقه خلیج فارس و افزایش ریسک بازار انرژی، قیمت سوخت در امریکا را تحت تاثیر قرار داد. بر اساس داده‌های انجمن خودروی امریکا، میانگین قیمت هر گالن بنزین معمولی پیش از جنگ حدود ۲ دلار و ۹۸ سنت بود و در ماه مه به ۴ دلار و ۵۶ سنت رسید. قیمت گازوییل نیز از حدود ۳ دلار و ۷۶ سنت پیش از جنگ افزایش یافت و در ماه سپتامبر به رکورد ۶ دلار و ۵۳ سنت رسید. این افزایش قیمت‌ها برای شهروندانی که هر روز برای رفت‌وآمد به خودرو وابسته‌اند، به معنای افزایش مستقیم هزینه زندگی بود. در امریکا، برخلاف بسیاری از کشورها، بخش بزرگی از زندگی روزمره و رفت‌وآمد خانوارها به استفاده از خودرو وابسته است. بنابراین، افزایش قیمت بنزین می‌تواند به سرعت به یکی از مهم‌ترین عوامل نارضایتی عمومی تبدیل شود. اما هزینه جنگ به قیمت سوخت محدود نماند. افزایش هزینه انرژی، حمل‌ونقل و تولید، فشار بیشتری بر شرکت‌ها وارد کرد و بخشی از این هزینه‌ها به مصرف‌کنندگان منتقل شد. شرکت‌های حمل‌ونقل و برخی تولیدکنندگان نیز برای جبران افزایش هزینه‌های خود، قیمت خدمات یا محصولاتشان را بالا بردند. این روند در شرایطی اتفاق افتاد که خانوارهای امریکایی از پیش با نگرانی درباره تورم و هزینه‌های مسکن، خوراک و خدمات روبه‌رو بودند. برآورد مارک زاندی، اقتصاددان ارشد موسسه مودیز آنالیتیکس، ابعاد این فشار را نشان می‌دهد. او هزینه اقتصادی جنگ برای یک خانوار متوسط امریکایی را نزدیک به دو هزار دلار برآورد کرده است؛ رقمی که شامل حدود هزار و ۱۰۰ دلار افزایش هزینه انرژی، ۵۴۰ دلار هزینه ناشی از افزایش نرخ بهره و ۳۶۰ دلار هزینه‌های نظامی می‌شود. چنین برآوردی نشان می‌دهد هزینه یک تصمیم نظامی در سطح دولت، می‌تواند در نهایت به شکل افزایش مخارج خانوارها ظاهر شود. در نظرسنجی‌های انجام‌شده پیش از انتخابات نیز نگرانی از افزایش قیمت سوخت و هزینه زندگی به‌وضوح دیده می‌شد. نظرسنجی مرکز پژوهشی پیو در ماه آوریل نشان می‌داد ۶۹ درصد امریکایی‌ها از افزایش قیمت بنزین و سوخت در نتیجه اقدام نظامی امریکا علیه ایران نگران هستند. همچنین در نظرسنجی رویترز و ایپسوس در ماه مارس، ۶۷ درصد پاسخ‌دهندگان پیش‌بینی کرده بودند قیمت بنزین در ماه‌های بعد افزایش خواهد یافت. این ارقام نشان می‌دهد مخالفت با جنگ تنها به مخالفان سیاسی ترامپ محدود نبود. حتی بخشی از رای‌دهندگان جمهوری‌خواه نیز نسبت به پیامدهای اقتصادی جنگ نگرانی داشتند. برای بسیاری از شهروندان، پرسش اصلی دیگر صرفا این نبود که دولت امریکا در برابر ایران چه اهدافی را دنبال می‌کند، بلکه این بود که چرا باید هزینه این سیاست را از طریق افزایش قیمت سوخت و فشار بر معیشت خود بپردازند؟

تورم و هزینه زندگی رای‌دهندگان چه چیزی را مجازات کردند؟

نتایج نظرسنجی‌های خروجی از مراکز رای‌گیری در روز انتخابات، نشان می‌دهد اقتصاد همچنان مهم‌ترین دغدغه بخش بزرگی از رای‌دهندگان امریکایی بوده است. بر اساس نظرسنجی خروجی انجام‌شده توسط موسسه SSRS برای مجموعه‌ای از رسانه‌های امریکایی، نزدیک به ۹ نفر از هر ۱۰ رای‌دهنده، هزینه زندگی را عاملی مهم یا بسیار مهم در تصمیم انتخاباتی خود دانسته‌اند. حدود سه‌چهارم رای‌دهندگان نیز از مسیر حرکت کشور ناراضی یا خشمگین بوده‌اند. همچنین حدود نیمی از رای‌دهندگان گفته‌اند انتخابات را فرصتی برای اعتراض به رییس‌جمهور می‌دانستند و ۷۰ درصد خواهان آن بوده‌اند که کنگره نظارت و کنترل بیشتری بر عملکرد ترامپ اعمال کند. این ارقام نشان می‌دهد انتخابات از یک رقابت معمول میان نامزدهای دو حزب فراتر رفته و به ابزاری برای اعلام نارضایتی از عملکرد دولت تبدیل شده است. در نظرسنجی خروجی شبکه سی‌بی‌اس نیز میزان رضایت از عملکرد ترامپ حدود ۳۸ درصد گزارش شد؛ رقمی که از پایین‌ترین سطوح محبوبیت او در انتخابات میان‌دوره‌ای محسوب می‌شود. این داده‌ها در کنار نتایج صندوق‌های رای، تصویری از فاصله میان وعده‌های اقتصادی ترامپ و انتظارات بخشی از جامعه امریکا را ارایه می‌کند. ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ با وعده بهبود وضعیت اقتصادی، کاهش هزینه‌ها و بازگرداندن قدرت خرید شهروندان به کاخ سفید بازگشته بود. اما دو سال بعد، بخش مهمی از رای‌دهندگان همچنان از قیمت‌ها ناراضی‌اند و افزایش هزینه‌های زندگی را تجربه می‌کنند. از نگاه این گروه، وعده‌های اقتصادی دولت نتوانسته است به بهبود ملموس وضعیت خانوارها منجر شود. البته وضعیت اقتصاد امریکا تنها با شاخص تورم قابل ارزیابی نیست. نرخ بیکاری در سطح نسبتا پایینی قرار داشت و رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در حوزه فناوری نیز از برخی شاخص‌های مثبت اقتصاد این کشور بودند. اما مساله اصلی برای رای‌دهندگان، احساس آنها از وضعیت اقتصادی و هزینه‌هایی بود که هر روز پرداخت می‌کردند. وقتی شهروندان در پمپ‌بنزین، فروشگاه و قبوض خدماتی با افزایش هزینه مواجه می‌شوند، آمارهای کلان اقتصادی لزوما نمی‌تواند نارضایتی آنها را کاهش دهد. به همین دلیل، شکست جمهوری‌خواهان را باید نتیجه همزمان چند عامل دانست: تورم و هزینه زندگی، افزایش قیمت انرژی، جنگ خارجی و کاهش اعتماد به توانایی دولت برای مدیریت این مسائل. جنگ ایران در این میان نقشی تعیین‌کننده داشت، زیرا به نارضایتی اقتصادی موجود، یک منشا سیاسی مشخص اضافه کرد و مسوولیت بخشی از افزایش هزینه‌ها را مستقیما متوجه تصمیم‌های ترامپ ساخت.

پیروزی دموکرات‌ها محدود شدن قدرت ترامپ

کنترل دموکرات‌ها بر هر دو مجلس کنگره، پیامدهای مستقیمی برای ادامه ریاست‌جمهوری ترامپ خواهد داشت. در نظام سیاسی امریکا، رییس‌جمهور برای اجرای بخش مهمی از برنامه‌های خود به همکاری کنگره نیاز دارد. تصویب قوانین، تخصیص بودجه، تایید برخی انتصاب‌ها و نظارت بر عملکرد دولت، از جمله حوزه‌هایی هستند که مجلس نمایندگان و سنا در آن نقش دارند. اکنون که هر دو مجلس در اختیار دموکرات‌ها قرار گرفته‌اند، ترامپ برای پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و سیاسی خود با مانع جدی‌تری مواجه خواهد شد. حتی اگر کاخ سفید همچنان از اختیارات اجرایی گسترده برخوردار باشد، کنگره می‌تواند با استفاده از ابزارهای قانونی و نظارتی، هزینه سیاسی تصمیم‌های دولت را افزایش دهد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این تحول، افزایش احتمال تحقیقات پارلمانی درباره عملکرد دولت و تصمیم‌های مرتبط با جنگ ایران است. دموکرات‌ها در جریان مبارزات انتخاباتی، علاوه بر مسائل اقتصادی، موضوع فساد و منافع مالی نزدیکان ترامپ را نیز مطرح کرده بودند. اکنون با در اختیار گرفتن اکثریت مجلس نمایندگان و سنا، امکان پیگیری جدی‌تر این پرونده‌ها فراهم شده است. از سوی دیگر، کنترل کنگره به دموکرات‌ها امکان می‌دهد در برابر سیاست‌های اقتصادی دولت، به‌ویژه تعرفه‌ها و هزینه‌های نظامی، موضع فعال‌تری اتخاذ کنند. ترامپ نیز با تهدید به وتوی لوایح دموکرات‌ها نشان داده است که احتمالا دوره جدیدی از تقابل میان کاخ سفید و کنگره آغاز خواهد شد.

تهران و پیام سیاسی انتخابات امریکا

در ایران نیز نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای امریکا با واکنش مقام‌های سیاسی همراه شد. محمدباقر قالیباف، رییس مجلس و مذاکره‌کننده ارشد ایران، با اشاره به نتیجه انت